

"مطالعه تاثیرات عوامل اجتماعی در هنر معاصر"

چکیده :

جامعه شناسی هنر امروزه به صورت یک علم اجتماعی مطرح است . فعالیت های تولید هنری و شناخت روابط هنر و جامعه از ویژگی های آن است . امروزه هنر زمینه های متنوعی را در بر می گیرد که شامل زمینه های اجتماعی، فرهنگی و فلسفی می باشد. فعالیت علمی و آفرینش با ساختارهای اجتماعی رابطه ای متقابل داشته و در زمینه بستر اجتماع شکل می گیرد. رابطه میان هنر و جامعه، رابطه ای مستقیم است و ریشه در جامعه و زمانه هنرمند دارد. تلاش نگارنده در پژوهش حاضر برآن است تا به تاثیرات اجتماعی در هنر معاصر بپردازد. روش تحقیق به کارگرفته شده در این مقاله اسنادی-کتابخانه ای بوده است و همراه با رویکردی تحلیلی-توصیفی بر مبنای آثار معاصر استوار است. دستاورد مقاله حاضر براین امر اشاره دارد که طرز تلقی و نگاه هنرمند نقاش به موضوعات متأثر از دیدگاه های اجتماعی او است.

کلیدواژه: جامعه ، هنر، اجتماع ، معاصر، فرهنگ.

مقدمه :

هنر را می توان تاثیرگررفته از زندگی اجتماعی دانست که در راستای پذیرش های اجتماعی و ارزش ها و هنجارهای جامعه تجلی می یابد . زمینه دانش های جدید در ارتباط با فهم هنر باعث به وجود آمدن مطالعات تخصصی در زمینه هنر شده است . جامعه شناسی هنر مطالعه شناخت عوامل تاثیرگذار بر تولید هنر است ف این ساختارها باعث شناخت عوامل تاثیرگذار بر هنر است . براین اساس بخشی از رویکردهای اساسی جامعه شناسی هنر بررسی و تحلیل روابط میان گرایشات هنری و روابط آنها با عوامل اجتماعی است . هنرمندان با حساسیت های ذهنی خود این علت ها را درک کرده و در آثار خود منعکس می کنند . هنر بازتاب فرهنگ و هویت جامعه است . بنابر آنچه گفته شد این پژوهش ماهیت تحلیلی داشته و در راستای عوامل اجتماعی تاثیر گذار بر هنر معاصر شکل گرفته است . در مقاله حاضر تاثیر عواملی چون مسایل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، رسانه ها، فناوری و آموزش مورد بررسی قرار می گیرد . آنچه در نتیجه گیری این مقاله به دست آمده است ارتباط مستقیم هنر و عوامل اجتماعی است که در بستر سازی برای شکل گیری هنر نقش اساسی ایفا می کنند .

روش تحقیق :

این مقاله مبتنی بر روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و شیوه گردآوری اطلاعات از نوع اسنادی (کتابخانه ای) می باشد . رویکرد این پژوهش تحلیلی بوده و با توجه به این رویکرد عوامل موثر بر جریان هنر را مورد بررسی قرار می دهد .

پیشینه پژوهش :

از عوامل تاثیرگذار بر آفرینش هنری ، اجتماع است . پژوهشگران بسیاری در این زمینه به تحقیق پرداخته اند در ایران پژوهشگرانی چون : رامین ۱۳۸۸، پاکباز ۱۳۷۹، ترابی ۱۳۷۹ و پژوهشگران غیرایرانی مانند : باستید ۱۳۷۴، دووینیو ۱۳۷۹، جانت ۱۳۷۶ آثار ارزنده ای ارائه داده اند . در این مقاله کوشیده شده است با رویکردی تحلیلی و با بهره گیری از پژوهش های یاد شده عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر هنر مورد تحلیل قرار بگیرد .

۱-۱ ارتباط هنر و جامعه :

جامعه شناسی هنر شناخت علمی هنر و وابستگیهای متقابل آن با دیگر مظاهر زندگی اجتماعی است . به تعبیر دیگر جامعه شناسی هنر مطالعه فعالیت های هنری و نهاد های تولید هنری شناخت روابط هنر و جامعه است . کشف و بیان روابط و قوانین در زمینه های مختلف انتهای نوینی در قلمرو فکر و فلسفه، دانش و هنر در روابط موجود میان جامعه و هنر بازگو نمود . جامعه شناسی هنر در سالهای اخیر به عنوان دانش خاص

اجتماعی نخستین مراحل رشد خود را طی می کند، مانند سایر شاخه های جامعه شناسی ریشه در مطالعات و ژرف کاریهای دانشمندان و پژوهشگران اجتماعی سده های پیشین دار و با اینکه دانشی جوان است ولی پیش از رسیدن به بلوغ علمی در سیر تکوینی خود دوره ای تکاملی فزون از چند دهه راپشت سرنهاده است. (ترا بی، 1379: 27-29) تمام فعالیت های انسان در ساختارهای اجتماعی صورت می گیرد. این ساختارها به انسان فرصت می دهد که رابطه بین ساختار اجتماعی و کنش فردی ساخته شود. فعالیت عملی و آفرینش انسانها با ساختارهای اجتماعی دارای ارتباط متقابلند. آفرینش هنری تفاوتی با دیگر انواع آفرینشهای انسانی ندارد. (را مین، 1388: 133-134) در تولید هنر، نهاد های اجتماعی بر بسیاری موارد، از جمله اینکه چه کسانی هنرمند می شوند، چگونه هنرمند می شوند، وقتی هنرمند می شوند چگونه هنر خود را تحقق می بخشد و چگونه می توانند مطمئن باشند که اثرشان تولید می شود، اجرا می شود و در دسترس همگان قرار می گیرد، موثرند. قضاوت درباره آثار و مکاتب هنری و ارزشیابی آنها، که مقام آینده آنها را در تاریخ ادبیات و هنر تعیین می کند، صرفاً "تصمیمات فردی و زیبایی شناختی ناب نیست، بلکه رویدادهایی است که امکان آنها را اجتماع فراهم کرده و ساخته اجتماع است. (ولف، 1376: 52) جامعه شناسی تولیدکننده هنر وجه دیگری دارد و آن تصویری جمعی است که یک جامعه معین از هنرمند می سازد.



تصویر ۱- زرین مهر، علی اکبر، اکریلیک، ۷۰×۷۰ (دومین نمایشگاه به نفع بیماران سرطانی، ۱۳۸۸: ۷۲)

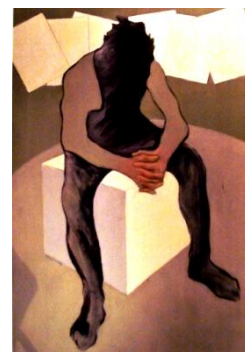
این تصویرها در هر جامعه ای با جامعه دیگر متفاوت خواهد بود. بدون مراجعه به داده های جامعه شناسی، خلاقیت زیباشناسانه نه فقط به درستی فهمیده نمی شود. بلکه جامعه همیشه از خالق هنر تصویری خاص می سازد و این اسطوره در نهایت خود را به زندگی هنرمند تحمیل می کند و هنرمند باید طبق الگویی که جامعه و سنت برای او پدید آورده است خود را بسازد و بپردازد. وظیفه و کار جامعه شناسی تولیدکننده هنر این است که نخست جایگاه هنرمند را در هر جامعه ای، در هر دوران تاریخی و در هر نقطه از جهان مشخص کند. شایسته ترین نماینده جامعه شناسی هنر از تقلیل فرد به جمع یعنی تقلیل پویایی ذهن خلاق فرد به جامعه ای که جامعه شناس در توصیف خود منجمدش میکند سرباز می زند وی می نویسد: "... در فرا سوی این اغتشاش، برای جامعه شناسی هنری که نقطه

عزیمتش تجربه واقعی آفرینش هنر و نیز تجربه زندگی اجتماعی باشد. رابطه میان جامعه و هنر کمتر در وقایع تجربی و بیشتر در سطحی رخ می دهد که تخیل آن را تجربه می کند. تولید کننده هنر کسی است که به وسیله قدرت تخیل اصالت خلاقانه خود را آشکار می کند. (باستید، 1374: 135-146) یکی از محورهای زندگی انسان تولید است، تولید امری اجتماعی است و برای آنکه بتوان سیر هنر را در جامعه متمدن دنبال کرد، باید جریان آفرینش هنری و حدود و شعور را یافت و با تفکیک آن از سایر عوامل زندگی اجتماعی به تعریف آن رسید.



تصویر ۲- وکیلی، احمد، اسطوره، (دومین نمایشگاه به نفع بیماران سرطانی، ۱۳۸۸: ۱۳۷)

مواد تشکیل دهنده هنر خود بخود اثر هنری را به وجود نمی آورند، بلکه هنرمند است که برای ابلاغ اندیشه ای که در ذهن خود پرورده است، مواد را قدرت بیان می بخشد. به این معنی که هنرمند در ذهن خود اندیشه ای دارد و می خواهد آن را بیان کند، پس تکنیک هنری را به کار می گیرد و مواد هنری را موافق اندیشه خود با هم می آمیزد. اندیشه هنرمند هر چه باشد در ذهن او قالب صورتهایی مشخص و نمایش پذیر که تصویر ذهنی خواننده می شود می ریزد. هنرمند برای نمایش تصویرهای ذهنی در مرحله اول به دنبال موضوع رفته و در مرحله دوم به دنبال باز نمودن موضوع و نمایش و تصویر ذهنی و بیان اندیشه خود، یکی از قالبهای انواع هنر را بر می گزیند و به تناسب اندیشه و تصویرهای ذهنی خود و اسلوبهای هنری اثر را خلق می کند. صورت یا شکل به مقتضای اندیشه هنرمند و در نتیجه تاثیر و عملی که هنرمند در مواد هنری ایجاد می کند فراهم می آید. (آریانپور، 1354: 56-77)



تصویر ۳- ندایی، علی، مدل، (دو مین نمای شگاه به نفع بیماران سرطانی، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

آفرینش هنری را، با همه شکل‌هایی که به خود می‌گیرد هیچگاه نمی‌توان به درکی از آن محدود کرد. به عبارت دقیق‌تر، نمی‌توان تخیل را از تاثیرات کلی که در زمان آفرینش اثر هنری فعال بوده اند جدا کرد، زیرا جدا کردن تخیل از واقعیت اجتماعی غیرممکن است.



تصویر ۴- افسریان، ایمان، (نگارخانه های تهران، ۱۳۸۰)

تنها از طریق تحلیل همه نمادهای اجتماعی که در اثر هنری متبلورند می‌توان دریافت که اثر تا چه اندازه در جامعه ریشه دارد، اما ریشه داشتن هنر در تجربه اجتماعی فقط یک واقعیت ساده پذیرفته شده یا یک ویژگی ثانوی نیست که تنها به عنوان عامل اضافی در تحلیل آفرینش هنری به حساب آورده شود. این واقعیت یکی از بخش‌های بنیادی و حیاتی اثر هنری است و فقط جهل یا غرض می‌تواند جدایی دو عامل هنر و تجربه اجتماعی را از هم توجیه کند. (دوینیو، ۱۳۷۹: ۷۴-۷۵)

۱-۲ عوامل موثر بر جریان هنر :

عوامل شکل‌گیری موثر بر آثار هنری برگرفته از مسایل جامعه می‌باشد. در واقع زندگی انسان با هنر نوع تفکر و طرز رفتاری ارتباط مستقیم دارد و هنر از زندگی اجتماعی تاثیر پذیرفته و تاثیر گذارده است. هنر در لحظه به لحظه تاریخ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بشریت حضوری جدی مستمر و پرننگ داشته است. هنرمندان تکه های کوچکی از پیکره هنرند و هنر خود گوشه ای از فرهنگ جامعه است. (اسلام زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۸۴)

۱۶۲) هنر بازتاب‌قابلیت‌های یک جامعه است و هنر خود در راستای پذیرش‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و ارزشها و هنجارهای جامعه در آثار هنری تجلی و بیانگر ارزشهای اعتقادی جامعه است.



تصویر ۵- اسکندری، علیرضا، تابلو خط‌علی، ۸۰×۱۲۰، (نگاره‌های عشق، ۱۳۸۱: ۵۲)

ساختار یک اثر هنری در نتیجه عوامل اجتماعی است. زیرا اثر هنری چه مورد پذیرش و یا انکار جامعه باشد بازتاب‌مهمی از جامعه، وضعیت هنرمند و شرایط اجتماعی او است. بنابراین فرآیند هنری منجر به بازگویی سازوکارهای اجتماعی به صورت انتقادی یا ترویج شرایط مناسب اجتماعی می‌شود. هنرمند بازتاب شرایط تاریخی، اجتماعی، دانش به روز و عوامل دیگر است. هنرمند هویت و فرهنگ خویش را از خانواده، مدرسه و جامعه دریافت کرده است. تحولی که در اجتماع به وجود می‌آید و محدود به محدودیت‌های فرهنگی و تمدن‌گاهی به صورت سدی در مقابل انرژی‌گریزی انسان برای آفرینندگی و نوآوری عمل می‌کند و موجب انباشت آن نیرو می‌گردد که در صورت هدایت، هدفمند و سازنده خواهد بود و در غیر این صورت مخرب و ویرانگر می‌شود. در اینجا است که نقش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و آداب و رسوم و آنچه به عنوان ساختار یک جامعه شناخته می‌شود برای نوآوری روشن می‌گردد زیرا برخی فرهنگ‌ها آنقدر موانع و محدودیت‌هایی برای افراد خلاق و انرژی‌نوآوری آنها ایجاد می‌کنند که دیگر نمی‌توان محدودیت‌های مذکور را هدایت‌کننده دانست بلکه باید از اصطلاح سیاسی، اجتماعی تحریر استفاده کرد. بر این اساس بخشی از رویکردهای اساسی جامعه‌شناسی هنر، بررسی و تحلیل روابط میان گرایش‌ها و تمایلات گوناگون انواع هنر و نسبت میان آنها و جامعه و بررسی روابط متقابل آنها و همچنین شرایط متنوع، عوامل تاثیرگذار خاستگاه و علت‌های اجتماعی و اقتصادی و اعتقادی هنراست. (گودرزی، ۱۳۸۴: ۶) بررسی‌ها نشان می‌دهد که هنرمندان بیش از پیش در برابر مسایل جامعه حساسیت داشته و معمولاً به آنها عکس‌العمل نیز نشان می‌دهند. در کلان‌ترین سطح جامعه دارای ساختار

اجتماعی و فرهنگ است که هر کدام از اجزایی تشکیل شده است. (آیت الهی، ۱۳۷۹: ۳۷)

۳-۱ تاثیر مسایل فرهنگی :

هنر در هر زمان و مکان فرزند زمانه خویش است و مادر احساسات هنرمند می باشد. هنرمند هر جا و از هر فرهنگ، آیین و آداب و سنن و شیوه های زندگی، اعتقادات آبا و اجدادی خود مهم شده و اثر خود را به وجود می آورد. (آیت الهی، ۱۳۷۹: ۴۷) امروزه مساله فرهنگ از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا تمام مشکلات جهان به نوعی با مساله فرهنگ در ارتباط است. فرهنگ یکی از مهمترین عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی پیشی گرفته است. فرهنگ یکی از ابتکارات بشریت است بنابراین مقوله فرهنگی جدا از مردم معنا پیدا نمی کند و فرهنگ به عنوان یک پدیده انسانی به یک گروه محدود از مردمی که دارای آگاهی دسته جمعی هستند اطلاق می گردد. (پاکباز، ۱۳۷۹: ۱۲۲) به طور مثال فرهنگ اسلامی به مثابه یک ساختار جهان بینی در متحول ساختن بخشی از ذهنیت جدید که منتهی به آفرینش هنری با گرایش های هنردینی، هنر مذهبی، هنر توحیدی، هنر قدسی...گشته و هنرمندی که فرهنگ روشنفکری دارد هرکدام بازتاب اندیشه و ساختار ذهنی آن فرهنگ را نمایان می سازند. هنر ادراک عینی ساختن در یافت ها می باشد.



تصویر ۶- اسکندری، علیرضا، علی، ۷۰×۱۰۰، (نگاره های عشق، ۱۳۸۱: ۵۳)

حاصل تمایلات شخصی و نظریات و هنجارهای اجتماعی و جمعی، ارزشها و شیوه های عمل، هنر و زبان است و نقاش در مقام هنرمند فردی است که برخوردار از موهبتی برای داشتن استعداد و توانایی بیان خویشتن علاوه بر توانایی های معمولی دارای زبان هنری نیز هست. بنابراین منشا بیان خلاق نقاش بر اساس نیازها و عوامل چندی قرار دارد که امیدها، ترس ها، باورها، الهامات، آرمانها، الگوها، انتظارات درون فرهنگ می باشد. (صبوری کاشانی، ۱۳۷۹: ۲۳) هنر به نوعی از طریق فرهنگ و مفاهیمی که هویت جامعه اند به جامعه متصل می شود. وجود مفاهیمی که از بستر فرهنگ زاییده می شوند، هنر یک جامعه را بنا می گذارد.



تصویر ۷-صوتی، اکبر، همای رحمت، ۳۵×۳۵، چوب، (نگاره های عشق، ۱۳۸۱: ۲۷)

۴-۱ تاثیر مسایل سیاسی:

همانطور که در ابتدا مطرح شد منشا و سرچشمه ظهور انواع هنر و از آن جمله هنرهای تجسمی در جامعه می باشد و هر تحولی که در جامعه به وجود می آید بی شک انعکاس آن در آثار هنرمندان تجلی می یابد. هنرمندان در هر جامعه ای نسبت به سایر افراد دارای حساسیت بیشتری می باشند و دارای روح لطیفی بوده و نازک بینی های خاص خود را دارند و به همین دلیل نمی توانند از اتفاقات جاری زمانه بگذرند. بنابراین بیشترین بازتاب رویدادهای ایجاد شده در جامعه در آثار هنرمندان به چشم می خورد. از جمله تحولات و جریان های مهم سیاسی - اجتماعی کشورها را می توان به مساله بروز انقلاب و یا جنگ اشاره کرد که در وضعیت نقاشی معاصر ایران سهم عمده ای نشان داد که بدون شناخت آن ترسیم سیمای کلی نقاشی دوره حاضر غیر ممکن به نظر می رسد. در واقع نقاشی بین سالهای ۵۷ تا ۶۰ جریانی تب آلود داشت. انگیزه های سیاسی اجتماعی عمده ترین دلیل خلق آثار می شدند که حرکت جامعه انقلابی ایران را در خود بازمی تابیدند و گاه می شد ایدئولوژی نقاش را در اثرش مشاهده کرد. می توان گفت پرده های نقاشی در آن سالها به نوعی واکنش هنرمندان برای مطرح کردن زبان نقاشی در میان مردم بود. (اسلام زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۸)

۵-۱ تاثیر مسایل اقتصادی:

برخی تاثیرات اقتصادی در هنر نشان داده شده که برخلاف تصور رایج هنرمندان و هنرشناسان هنر امروزی صرفاً "متعالی و فارغ از دغدغه های حیات مادی و اجتماعی نیست. اگرچه به نظر می رسد که هنرمندان نسبت به سایر افراد جامعه وابستگی کمتری به نهاد های مادی جامعه داشته باشند اما باعث نظامهای حمایتی و همچنین روش مواجهه ای رسانه ها، نهاد های آموزشی، منتقدان و مفسران هنر و همچنین کسانی که در قالب نگارخانه ها و موزه ها از منافع مادی آثار هنری متنفع می شوند نشان داده شده که هنر در هر دوره ای خواسته یا ناخواسته از ملاحظات اقتصادی آکنده است. تنها تفاوت میان هنرمندان و سایر اقشار جامعه از این نظر است که در مورد اول این وابستگی به عوامل اقتصادی در

درجه اول آشکارا به چشم نمی آید و درک آن نیاز به تعمق بیشتری دارد . البته در برخی موارد مثل حمایت از هنرها این وابستگی کاملاً آشکاراست اما این نکته به معنای آن نیست که عوامل اقتصادی به طور انحصاری در هنرآفرینی و ایجاد سبک ها و مضامین هنری نقش تعیین کننده ای دارند . (---:۶۳:۱۳۸۴)



تصویر ۸- لرپور، مقداد، نقاشی، (نگارخانه های تهران، ۱۳۸۵)



تصویر ۹- دبیری، بهرام، نقاشی، ۶۰×۴۵، (،) (دومین نمایشگاه به نفع بیماران سرطانی، ۱۳۸۸: ۹۵)

۱-۶ تاثیر رسانه ها :

در دوران معاصر ، اینترنت فضای جهانی را تحت تاثیر قرار داده است . رادیو زمانی سرآغاز دگرگونی اساسی در زمینه اطلاع رسانی در جوامع بشری بود . بعد از رادیو، تلویزیون و سینما هر یک تحول تازه ای ایجاد کردند و موجب همگانی شدن هنر گشتند ، اما اینترنت بزرگترین انقلاب تاثیر گذار بر هنر است . کاربران اینترنت وارد سایت های هنری می شوند و تمام آثار هنری ریز و درشت جهان را می بینند ، به گالری های مجازی وارد می شوند و حتی برای خرید و فروش آثار نیز از طریق اینترنت اقدام می کنند .مخصوصاً" در دهه ۷۰ ما شاهد اشاعه وسیع اطلاعات از طریق رسانه های گوناگون هستیم . بنابراین گسترش استفاده از کامپیوتر و اینترنت و ماهواره ، دسترسی به مجلات تخصصی هنر لاتین که مجموعاً" درگسترش اطلاعات و درک نقاشان ایرانی از هنر جهانی موثر هستند در تحولات نقاشی دوران معاصر نقش تعیین کننده ای را ایفا می

کنند. یکی از جلوه های هنرمدرن چند رسانه ای بودن آن است. جهان چند رسانه ای یعنی جهان رسانه ها و جهان دیجیتال، جهان روزنامه، تلویزیون، اینترنت، ماهواره جهانی که همه جلوه های فرهنگی با همه تعاریف ممکن از نخبه گرا ترین تا مردمی ترین در آن گرد می آیند. جهانی که جلوه های گذشته، حال و آینده ذهنی را به هم پیوند می دهد. درمقابل موج تبلیغی جهانی شدن در عرصه فرهنگ نظام نوین رسانه های جهانی به جای همگون سازی تنوع را عمیق تر و گسترده تر می کند. مهمترین نماد در این مورد تلویزیون است که از پر قدرت ترین، جهان شمول ترین، ارزان ترین و فراگیرترین رسانه امروز جهان است که بغیر از اطلاع رسانی هر سنی را منفعل می کند و به جای او می اندیشد و نتیجه گیری می کند و فرهنگ توده ای را ترویج می کند. (بیناب، ۱۳۷۹: ۱۰۰)

۷-۱ تاثیر فناوری :

فناوری در هنر یا در هنرهای مبتنی بر فناوری مفهوم و دستاوردهای قرن بیستم و مدرنیستی است زیرا به واژه عام تکنولوژی و خصلت ماشینی تکنیک های هنری ارجاع دارد. فناوری در هنرهای کاربردی یافته علمی-صنعتی و به ویژه مهندسی در روند ساخت یا خلق کارهنری است و به مواردی اشاره دارد که ممکن است در خود اثر یا درزمینه ها و فعالیت های وابسته به آن مانند برگزاری نمایشگاهها، سخنرانی ها (کاربرد ابزار و دستگاههای ماشینی) پژوهش هنری، چاپ آثار و اجرای پروژه های هنری به کاررفته باشد. هدف از کاربرد فناوری در هنر رسیدن به نتیجه ای مطلوب تر در ارایه و بیان اثر است. این گونه ماشین اغلب به کمک نیروی الکتریکی هدایت می شوند، البته تحول فناوریهای چند دهه اخیر بر پایه درون مایه های فکری، فرهنگی و زیبایی شناختی پسا مدرن پیوند دارند. (بیناب، ۱۳۷۹: ۱۰۲) هنرمندان ایرانی در دهه های اخیر ۸۰-۹۰ تقریباً "به چنین گرایش هایی روی آورده اند و دغدغه بسیاری از هنرمندان در هنر جدید استفاده از فناوری و هنر چند رسانه ای شده است.

۸-۱ تاثیر آموزش:

مباحث فرهنگی و آموزشی در واقع در شکوفا شدن هنر و خلاقیت هنری و بستر سازی هنر نقش موثری ایفا می کند. در واقع آموزش صحیح می تواند بستری مناسب در جهت احیای شایستگی در زمینه های هنری می باشد. شاید خلاقیت آموزش دادنی نباشد ولی فراهم آوردن شرایط مناسب و هموار شدن راه برای بروز خلاقیت ها از عهده آموزش هنر برمی آید. باید شرایطی ایجاد شود که هنرجو و نظام آموزشی کاملاً "آگاهانه حرکت کنند. در سالهای اخیر آموزش هنر به صورت تخصصی با محدودیت های بسیاری همراه بوده است حتی در مواردی دروسی تدریس می شوند که ارتباط با مباحث اصلی رشته هنر ندارند. استادان هنر نیز باید علاوه بر انتقال جنبه های تکنیکی و چگونگی امکان ساخت اثر و مهارت های

هنری و خلاقیت را که به واقع به اثر هنری ویژگی خاصی می بخشد و شاخصه آن است نیز انتقال دهند. آموزش خلاقه در بهترین و کاملترین شکل خود درک و قدرت لذت بردن از هنر را نیز به دانشجو آموزش می دهند. در این نوع آموزش، آزادی تفکر و رهایی از هرگونه چارچوب ها و باید ها است. این نوع آموزش همراه با ساختار ذهن در بستر متن فرهنگی و با توجه به میراث گذشته هويت هنر ایرانی را شکل می دهد. (بیناب، ۱۳۸۰: ۶۹-۸۵)

۲-۱ مطالعه عوامل تاثیرگذار بر هنر:

جامعه شناسی هنر امروزه به عنوان دانشی نوین سعی در مطالعه فعالیت های هنری و شناخت روابط میان هنر و جامعه دارد. در تولید هنری نهاد های اجتماعی و بخش های مختلف آن موثرند. رویدادهای اجتماعی خود را به زندگی هنرمند تحمیل می کند و هنرمند به عنوان نماینده جامعه با ذهن خلاق و پویای خود آن را در آثار هنری تجربه می کند. اندیشه هنرمند هرچه باشد برای خلق اثر هنری از فیلتر اجتماع و عوامل آن رد می شود. هنر از زندگی اجتماعی تاثیر گرفته و بازتاب اتفاقات جامعه است. بخشی از رویکردهای اساسی جامعه شناسی هنر را می توان تحلیل عوامل تاثیرگذار بر هنر دانست. تاثیر مسایل فرهنگی از این عوامل است. فرهنگ پدیده ای انسانی است. هنر از طریق فرهنگ، هويت اجتماعی را در آثار خود نشان می دهد. مانند: فرهنگ اسلامی. از عوامل تاثیرگذار دیگر مسایل سیاسی است. حساسیت فکری هنرمندان و تحولات و جریان های سیاسی و اجتماعی مانند جنگ و انقلاب از این موارد است. انگیزه های سیاسی مهم ترین علت به وجود آمدن این نوع آثار است. مساله دیگر اقتصاد هنر است که نه تنها هنرمندان بلکه نگارخانه ها و موزه ها را نیز در برمی گیرد. حمایت های رسمی و دولتی از هنر می تواند باعث به وجود آمدن ثبات در اقتصاد هنر و تولید آثار با کیفیت تر گردد. در دوران معاصر فضای جهانی تحت تاثیر ماهواره ها، اینترنت، گالری ها و موزه های مجازی و خرید و فروش مجازی آثار هنری گشته است. فرهنگ جهانی شدن هنر معاصر را تحت تاثیر قرار داده است. فناوری و تکنیک های هنری پیشرفته و صنعتی امروزه باعث به وجود آمدن فعالیت های هنری کاربردی در ارایه آثار هنری شده است. بسیاری از هنرمندان امروزه از هنر و فناوری های جدید در خلق آثار خود بهره مند می شوند. از مسایل دیگر که باید مورد بررسی قرار گیرد مساله مهم آموزش است که بر خلق آثار هنری تاثیر گذار است. شرایط نظام آموزشی هنر در سالهای اخیر تغییر کرده است و علاوه بر آموزش تکنیک و مهارت های هنری به زمینه های فکری و خلاقیتی در آموزش نیز توجه می شود. عوامل اجتماعی ذکر شده در ساختار ذهن هنرمند تاثیر گذاشته و با توجه به پیشینه هنرمند، متن فرهنگی جامعه، میراث گذشته ایرانی، باعث ایجاد خلق آثار هنری می شود. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱- عوامل موثر در تایر هنرمند از اجتماع، (منبع: نگارنده)

عوامل موثر بر هنر	اجتماع	هنرمند
مسایل فرهنگی	دارد	تأثیر مستقیم
مسایل سیاسی	دارد	تأثیر مستقیم
مسایل اقتصادی	دارد (زیاد)	تأثیر مستقیم
رسانه ها	دارد (متوسط)	تأثیر غیرمستقیم
فناوری	دارد (متوسط)	تأثیر غیر مستقیم
آموزش	دارد (زیاد)	تأثیر مستقیم

نتیجه گیری:

رابطه میان هنر و جامعه رابطه ای مستقیم است که در جامعه و زمانه هنرمند ریشه دارد. هنر بازتاب فرهنگ اجتماعی است. در مقاله حاضر تأثیر مسایل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، رسانه ها، فناوری و آموزش از رویکرد های اساسی و تأثیرگذار بر تولید هنر است. حساسیت های فکری هنرمندان از این عوامل در زمینه خلق اثر هنری تأثیر می گیرد. مسایل فرهنگی هویت اجتماعی هنرمندان را تشکیل می دهد. حساسیت های سیاسی در هر دوران باعث به وجود آمدن آثار متفاوت در هر زمان می گردد. اقتصاد هنری نیز باعث به وجود آمدن ثبات هنری، حمایت هنری، تولید هنری می گردد. اینترنت و فضاهای مجازی نیز فرهنگ و هنر معاصر را تحت تأثیر قرار داده است. کاربرد فناوری و تکنیک های هنری در آثار هنری باعث بالا رفتن کیفیت آثار گشته است. آموزش و تغییرات نظام آموزشی در سالهای اخیر ذهن هنرجویان را جدا از آموختن تکنیک و مهارت های آموزشی به سوی تفکر و خلاقیت رهنمون ساخته است. در انتهای این مقاله نتیجه گرفته می شود ابداع و آفرینش هنری بغیر از حساسیت ذهنی هنرمندان از عوامل اجتماعی نیز متأثر است. عوامل اجتماعی در مسیر خلق اثر هنری با هنرمند ارتباط مستقیم دارد.

فهرست منابع:

- ۱- آریـــــانپور، امیرحســـــین. (1354). *جامعه شناسی هنر*. تهران: دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
- ۲- آیت الهی، حبیب (۱۳۷۹). *چکیده مقالات سایه طوبی، موزه هنرهای معاصر تهران*، ص ۱۳۷.
- ۳- اسلام زاده (۱۳۸۴). *میانی نظری جامعه شناسی هنر*، مجله بیناب، ش ۸، ص ۱۵۸، ۱۶۲.
- ۴- باستید، روژه. (1374). *هنر و جامعه*. ترجمه: غفار حسینی. تهران: توس.

- ۵- پاکباز، رویین (۱۳۷۹). چکیده مقالات سایه طوبی، موزه هنرهای معاصر تهران، ص ۱۲۲.
- ۶- ترابی، علی اکبر. (1379). جامعه شناسی هنر و ادبیات (مثلث هنر). تهران: فروغ آزادی.
- ۷- دوونیو، ژان. (1379). جامعه شناسی هنر. ترجمه: مهدی سحابی. تهران: مرکز.
- ۸- رامین، علی. (۱۳۸۸). مبانی جامعه شناسی هنر. تهران: نی.
- ۹- صبوری کاشانی، امیر (۱۳۷۹). چکیده مقالات سایه طوبی، موزه هنرهای معاصر تهران، ص ۲۷.
- ۱۰- گودرزی، مصطفی (۱۳۸۴). سخن سردبیر، مجله بیناب، ش ۸، ص ۶.
- ۱۱- ولف، جان. (1376). تولید اجتماعی هنر. ترجمه: نیر توکلی. تهران: مرکز.
- ۱۲- ---- (۱۳۸۴). جایگاه اقتصاد در جامعه شناسی هنر، مجله بیناب، ش ۸، ص: ۱۰، ۶۳.
- ۱۳- ---- (۱۳۸۰). گرفت و گیرهای آموزش در ایران، مجله بیناب، ج ۳- ۴، ص: ۶۹، ۸۵.

منابع تصاویر:

- ۱- حمزه لو، منوچهر (۱۳۸۱)، نگاره های عشق، تهران: میراث فرهنگی.
- ۲- مجموعه آثار هنرمندان موثر در حمایت از بیماران سرطانی (۱۳۸۸)، تهران: موسسه خیریه بهنام دهشپور.
- ۳- نمایشگاههای هنر هنای تجسمی تهران (۱۳۸۰)، موسسه هنرهای تجسمی تهران.
- ۴- نمایشگاههای هنر هنای تجسمی تهران (۱۳۸۵)، موسسه هنرهای تجسمی تهران.